



HomePage: https://jhistory.um.ac.ir/	Vol. 54, No. 1: Issue 108 Spring & Summer 2022, p.143-157	
Online ISSN: 2538-4341	Print ISSN: 2028-706x	
Received Date: 21-04-2022	Revised Date: 09-10-2022	Accepted Date: 25-02-2023
DOI: https://doi.org/10.22067/jhistory.2023.76335.1121	Article type: Research Article	

Analyzing Shīrā Representations in the First Abbāsīd Period, A Case Study of Ḥusayn b. Żahḥāk's Poetry

Mohsen Mohammadi

PhD student, Arabic Language and Literature, Shahid Beheshti university, Tehran, Iran

Dr. Mohammad Ebrahim Khalife Shustari (Corresponding Author)

Professor of Arabic Language and Literature, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

m-khalifeh@sbu.ac.ir

Abstract

Religious thought has enjoyed a special status among Muslim poets of different periods. In a similar fashion, Abbāsīd scholars have adopted this poetic approach in line with their religious beliefs. Ḥusayn b. Żahḥāk was an Iranian poet from Khurāsān, composing poems in Arabic during the first Abbāsīd period. His poems are mainly concerned with the influences of Qur'an, expressing religious beliefs, and describing concepts such as *Āshūrā*, *Ahl al-Bayt Ṭṣmat-u- ṭahārat* (peace be upon them), drinking toasts, and *ghazal-i-muzakkar*. The poet, influenced by the events of *Karbalā*, has expressed sorrow, defiance, devotion, and great honor for Prophet Muḥammad's *Ahl al-Bayt*. In fact, Żahḥāk has thus confirmed the status of Imam Ḥusayn and *Ahl al-Bayt*. The present study explores the poet's religious thought and his passion and devotedness using the content analysis method. These concepts are vivid and clear, to the extent that the reader truly understands the realities of the lives of *Ahl al-Bayt* and emotionally bonds with the events of *Āshūrā*.

Keywords: Abbāsīd era, ritual poetry, Shīrā, *Ahl al-Bayt*, Ḥusayn b. Żahḥāk



سال ۵۴ - شماره ۱ - شماره پیاپی ۱۰۸ - بهار و تابستان ۱۴۰۱، ص ۱۵۷ - ۱۴۳	HomePage: https://jhistory.um.ac.ir	
شاپا چاپی x ۷۰۶-۲۲۲۸	شاپا الکترونیکی ۴۳۴۱-۲۵۳۸	
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۰۱	تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۰۷/۱۷	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۰۶
DOI: https://doi.org/10.22067/jhistory.2023.76335.1121	نوع مقاله: پژوهشی	

بررسی جلوه‌های شیعی در عصر عباسی اول « بررسی موردی اشعار حسین بن ضحاک »

محسن محمدی

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه شهید بهشتی تهران، ایران

دکتر محمد ابراهیم خلیفه شوشتری (نویسنده مسئول)

استاد زبان و ادبیات عربی دانشگاه شهید بهشتی تهران

m-khalifeh@sbu.ac.ir

چکیده

اندیشه دینی، جایگاه ویژه‌ای در میان شاعران مسلمان در عصرهای مختلف داشته است. ادبای عصر عباسی نیز به تاسی از عقاید دینی خود به این رویکرد شعری روی آوردند. حسین بن ضحاک، از شاعران ایرانی تبار، اهل خراسان و عربی سرای عصر عباسی اول بود که تأثیرپذیری از قرآن کریم و ابراز عقاید دینی و مذهبی از جمله مضمون عاشورا و اهل بیت عصمت و طهارت (ع)، در کنار مضامین مرتبط با باده نوشی و غزل مذکر، محتوای غالب اشعار او را تشکیل داده است. شاعر با تأثیرپذیری از واقعه کربلا به ابراز اندوه، مبارزه طلبی، اظهار ارادت، بیان عزت اهل بیت رسول الله (ص) پرداخته است و در واقع بدین شیوه توانسته است به اثبات جایگاه امام حسین (ع) و اهل بیت (ع) بپردازد. در این پژوهش به روش تحلیل محتوا، به اندیشه‌های مذهبی و محبت و ارادت شاعر پرداخته می‌شود. پویایی و رسایی این مضامین چنان است که مخاطب، حقیقت‌های موجود در زندگی اهل بیت (ع) را در واقعه عاشورا، به واقع در می‌یابد و احساسات خود را با آن واقعه عظیم پیوند می‌زند.

کلید واژه‌ها: عصر عباسی، شعر آئینی، شیعه، اهل بیت (ع)، حسین بن ضحاک.

مقدمه

ابراز محبت نسبت به اهل بیت (ع) در ادبیات، بسیار بازتاب یافته است و شاعران و ادیبان، مضامین خود را در قالب نظم و نثر به تصویر کشیده‌اند. حسین بن ضحاک از شعرای ایرانی اهل خراسان و عربی سرای عصر عباسی اول و محب اهل بیت (ع) بود که اشعار او در مدح و رثای اهل بیت و از جمله امام حسین (ع) به وضوح بارز است، هر چند که او با سرودن اشعاری در موضوع خمر و غزل مذکر، به اباحه‌گری نیز پرداخت، اما در اباحه‌گری مانند بشار و ابونواس چندان صراحت به خرج نداد و جانب حیا را نگه داشت. او همچنین به مدح و رثای خلفایی چون منصور، امین، واثق، متوکل و... پرداخت و حتی در رثای متوکل که دستور تخریب قبر امام حسین (ع) را داده بود، مرثیه سرود. آئینه وند این‌گونه بدان اشاره کرده است: «چه بگویم از گروهی که تربیت پاک امام حسین (ع) را با خیش شخم زدند».^۱ بنابراین این دوگانگی گفتاری که بخشی از آن به ارادت او نسبت به اهل بیت (ع) و بخشی به خلفای عباسی اختصاص دارد، در اشعارش به وضوح بارز است. در واقع می‌توان گفت که ضحاک با توجه به بسامد بالای مدایحی که در مدح خلفای عباسی سروده، شاعری سنی مذهب بوده است. اما نکته حائز اهمیت در شعر ضحاک این است که او با جسارت و قدرت بیان، حقایقی را نسبت به اهل بیت (ع) ابراز داشته و با بیانی صادقانه از واقعه کربلا و عاشورا، نه تنها روح خود را با آن واقعه عظیم پیوند داده بلکه بدین شکل با امویان نیز مبارزه کرده است. زیرا «شاعران شیعه با کمک تقیّه، مذهب حقیقی خود را پنهان می‌داشتند».^۲ او با ابراز حزن در رثای اهل بیت (ع)، مبانی شیعی را در اشعار خود زنده نگه داشت. بنابراین اهتمام به اشعار حسین بن ضحاک به‌عنوان شاعر ایرانی و محب اهل بیت (ع) که صرفاً به اباحه‌گری شناخته شده، بارز است. همچنین مضامین مذهبی و ابراز ارادت او نسبت به اهل بیت (ع) که از قوت و قدرت بیانی و انسجام لفظ و معنا برخوردار است و با زبانی ساده و بدون هر گونه تکلفی بیان شده، از نقاط عطف شعر اوست. این پژوهش بر آن است تا به شیوه تحلیل محتوا به این مبانی مهم در شعر شاعر بپردازد و از یک سو از شاعری گمنام و محب اهل بیت (ع) که گرایش‌های شیعی و سنی داشته است، پرده بردارد و از سوی دیگر نوع بیان، قدرت و رسایی کلام وی را در چگونگی ابراز ارادت به ائمه اطهار (ع) در عصر عباسی که با شیعه بدرفتاری می‌کردند و «شیعیان را هر کجا می‌یافتند، می‌کشتند»^۳ تبیین نماید.

۱. آئینه وند، ادبیات سیاسی تشیع (از نیمه اول قرن اول هجری تا پایان قرن سوم هجری)، ۲۱۶.

۲. شوقی ضیف، تاریخ الادب العربی (العصر العباسی الاول)، ۳۰۷/۳-۳۰۸.

۳. آئینه وند، ادبیات سیاسی تشیع (از نیمه اول قرن اول هجری تا پایان قرن سوم هجری)، ۲۱۱.

پیشینه تحقیق

در باره موضوع مذهب شیعه در عصر عباسی پژوهش‌های زیادی انجام گرفته است. پژوهش اندکی در مورد حسین بن ضحاک و اشعار او صورت گرفته است. نویسندگان در مدخل «حسین بن ضحاک» به اختصار به حسین بن ضحاک و شخصیت او اشاره کرده و از مدایح او نسبت به خلفایی چون امین، معتصم و واثق پرده برداشته است، اما به مضامین شیعی شاعر اشاره نکرده است. شوقی احمد ریاض در کتاب حسین بن الضحاک شعره و حیات به زندگی و جایگاه ادبی شاعر پرداخته و به بررسی ویژگی‌های فنی تعدادی از اشعار او اشاره کرده است، اما در مورد اشعار شیعی شاعر سخنی به میان نیاورده است. نویسنده در مقاله «فائت اشعار الخلیع» تعلیق و شرحی مختصر به اشعار حسین بن ضحاک دارد و در حقیقت، مؤلف، روایت‌گری کرده است از اشعاری که منتسب به شاعر بوده و از بین رفته و یا به دیگران نسبت داده شده است، اما با توجه به کثرت اشعاری با مضامین دینی و مذهبی در دیوان حسین بن ضحاک، -شاعر عصر اول عباسی- که در واقع اشعارش به عنوان سندی تاریخی، وقایع عاشورا و اهل بیت (ع) را به تصویر کشیده است، تحقیقی صورت نگرفته است. بنابراین این جستار بر آن است تا گوشه‌ای از اندیشه‌های مذهبی شاعر محب اهل بیت عصمت و طهارت (ع) را در عصر عباسی، بازتاب دهد.

ابن ضحاک، از شعرای عصر عباسی اول بوده، و اشعارش بازتابی از احساسات صادقانه او به اهل بیت و از جمله امام حسین (ع) بوده است، وی توانسته است تا در عصر عباسی، احساس مودت و محبت خود را به شکلی صریح و قاطعانه بیان دارد. بنابراین پژوهش در اشعار شاعری که از قدرت بیان و احساسی صریح برخوردار بوده و به زیبایی توانسته حقایق عاشورا و اهل بیت (ع) را در قالب شعر به تصویر بکشد، ضرورت دارد و با توجه به اینکه تاکنون هیچ‌گونه تحقیقی در مبنای شیعی این شاعر صورت نگرفته است، تحقیق حاضر در نوع خود، پژوهشی نو به شمار می‌رود.

۱- شیعه و ادبیات شیعی

شیعه به «پیروان امام علی (ع)، که قائل به امامت و خلافت او بودند، و به تداوم امامت در فرزندان وی اعتقاد داشتند، گفته می‌شود».^۱ اما «ادبیات، به اشکال مختلف عقلی، سیاسی و عاطفی در نزد شیعه بروز کرد و از نظر عاطفی در دو شکل خشم و اندوه نمایان شد».^۲ بنابراین «شیعه به ادبیات از جنبه عقلی، سیاسی و عاطفی غنا بخشید، سپس بر حقی که ضایع شده و خونی که به ناحق ریخته شده بود و همچنین

۱. شهرستانی، الملل و التحلل، ۱۴۶/۱۰.

۲. امین، اعیان الشیعة، ۳/۳۰۱.

بر حرمت‌هایی که هتک شده بود، گریستند.^۱ همچنین ادبیات شیعی در شعر حسین بن ضحاک به شکل حزن و اندوه نمایان شده است، و در واقع شاعر این‌گونه ارادت خود را نسبت به ائمه اطهار (ع) ابراز داشته است.

۲- گذری بر زندگی و عقاید مذهبی حسین بن ضحاک

اشاره به زندگی ضحاک به‌عنوان شاعری که اباحه‌گری و گرایش‌های مذهبی را در کنار هم داشته، حائز اهمیت است. حسین بن ضحاک بن یاسر از موالی قبیله باهله (۱۶۲-۲۵۰ق) ملقب به ابوعلی و خلیع، در بصره متولد شد و شعر و ادب آموخت. اصل او از خراسان و از شاعران ایرانی تبار بود.^۲ او یکی از نخستین شاعران عصر عباسی است که غزل مذکر و نیز شعر بادگانی را دست‌مایه هنر خویش قرار داد.^۳ ابوالفرج اصفهانی در الاغانی، علت شهرت ضحاک به اباحه‌گری را این‌گونه بیان کرده است: «یکی از دلایل اباحی بودن ضحاک این است که او با ظرافت‌گویی در وصف ساقی، غزل سروده است»،^۴ اما «شعر حسین بسیار روان و طبیعی و استوار است و با آنکه در دایره شعر اباحه سروده شده است، از هر گونه پرده دری و واژه‌های نازیبای شرم آور، تهی است».^۵ در واقع ضحاک به بیان غیر عقیف نزدیک شده اما جانب شرم و حیا را نیز نگه داشته است، که این ویژگی می‌تواند به عقاید دینی و مذهبی او نیز مرتبط باشد. حائری او را «از شخصیت‌های شیعی قرن‌های دوم تا سوم هجری دانسته است»^۶ اما از جمله اشعار او در مرثیه امام حسین (ع) که به تشیع او استدلال کرده‌اند، ابیاتی است با مطلع:^۷

وَمِمَّا سَجَى قَلْبِي وَكَفَّفَ عِبْرَتِي
مَحَارُمٌ مِنْ آلِ النَّبِيِّ أُسْتَحَلَّتِ

همچنین «از دلایل شیعه بودن حسین بن ضحاک آن است که در حفظ و نقل اشعار سید حمیری که مشحون ولایت حضرت علی (ع) بوده، اهتمام داشته است».^۸ سماوی در تعریفی دیگر از مذهب حسین بن ضحاک او را شاعری مطبوع و از شعرای طبقه اول دانسته که در مورد امام حسین (ع) شعر سروده است.

۱. امین، اعیان الشیعة، ۳/ ۳۱۵.

۲. الاصفهانی، الاغانی، ۷/ ۱۴۶.

۳. آذرنوش، دایره المعارف بزرگ اسلامی، «حسین بن ضحاک».

۴. الاصفهانی، الاغانی، ۷/ ۱۴۶.

۵. طه حسین، حدیث الأربعاء، ۲/ ۱۸۱.

۶. حائری، دائرة المعارف الشیعیة العامة، ۸/ ۲۲۸.

۷. خرمشاهی و دیگران، دایره المعارف تشیع، ۱۵۶. ترجمه: آنچه که قلم را آزرده و اشکم را جاری کرد، این بود که درباره اهل بیت (ع) حرام‌هایی حلال شد.

۸. خرمشاهی و دیگران، دایره المعارف تشیع، ۱۵۶.

به نوشته وی «حسین بن ضحاک از موالی آل سلمان و از قبیله باهله بود که اصل و نسب او به خراسان بر می‌گردد، او از شاعران طراز اول و برجسته‌ای بود که در مورد امام حسین (ع) شعر سروده است»^۱ و به این بیت از شعر شاعر استناد کرده است.^۲ محسن امین نیز در اعیان الشیعة دلیل شیعی بودن ضحاک را اشعاری دانسته که در رثای امام حسین (ع) سروده و این‌گونه به آن اشاره کرده است: «ابوعلی حسین بن ضحاک بن یاسر باهلی، معروف به خلیع، شاعری مطبوع و ظریف بود که دلیل شیعه بودن او را می‌توان به اشعاری مرتبط دانست که در رثاء امام حسین (ع) سروده است».^۳ جواد شُبَّر نیز در تأیید کلام محسن امین عنوان کرده که دلیل شیعی بودن حسین بن ضحاک اشعاری است که در رثای امام حسین (ع) سروده است «و حقیقت این است که سید محسن امین، شیعه بودن حسین بن ضحاک را از شیخ ابن نما نقل کرده که گفته است: بهتر است از شعر حسین بن ضحاک برای شیعه بودن او شاهد بیاوریم»^۴ و به قطعه‌ای از اشعار شاعر که در رثای اهل بیت (ع) سروده شده، استشهد می‌کند که مطلع آن چنین است:^۵

«وَمِمَّا سَجَى قَلْبِي وَكَفَكَفَ عِبْرَتِي
مَحَارِمٌ مِنْ آلِ النَّبِيِّ أُسْتَجَلَّتِ»

۳- نگرش دینی حسین بن ضحاک

رویکرد دینی و اسلامی در اشعار مدحی حسین بن ضحاک جلوه بارزی دارد، زیرا شاعر، در مدایح خود بسیار بر مبانی و مضامین دینی و الهی تأکید کرده است، گویی که دین اسلام را چون معیاری می‌داند که همه چیز باید بر اساس آن سنجیده شود، به همین خاطر، بیشتر خلفای عصر عباسی را که حتی به ظاهر ادعای دینداری کرده‌اند، صادقانه مدح گفته و رفتار دینی آنان را ستوده است. از جمله رویکرد اسلامی و دینی امین را این‌گونه ستوده است:^۶

«تَجَدَّدَتِ الدُّنْيَا بِمَلِكٍ مُحَمَّدٍ فَأَهْلًا وَسَهْلًا بِالزَّمَانِ الْمَجْدِدِ
هِيَ الدَّوْلَةُ الْغَرَاءُ رَاحَتٌ وَبَكْرَتٌ
مُشْمَرَةٌ بِالرُّشْدِ فِي كُلِّ مَشْهَدٍ»

۱. سماوی، الطلیعة من شعراء الشيعة، ۷/۱.

۲.

هَتَكَوَا لِحَرَمَتِكَ حَرَمَ الرَّسُولِ وَدُونَهَا السُّجُفُ

الضحاک، دیوان، ۱۳۱. ترجمه: حرمتت را نگاه نداشتند، و با این کار در واقع حرمت و حریم رسول اکرم (ص) و کعبه را نگاه نداشتند.

۳. الامین، اعیان الشیعة، ۴۱-۴۳.

۴. شُبَّر، ادب الطف او شعراء الحسين (ع)، ۳۱۰.

۵. الضحاک، دیوان، ۴۹. ترجمه: آنچه که قلبم را آزرده و اشکم را سرازیر کرد این بود که خویشاوندان پیامبر اکرم (ص) مورد بی حرمتی قرار گرفتند.

۶. الضحاک، دیوان، ۶۴. ترجمه: دنیا با روی کار آمدن محمد تازه شد، و به دوران تازه‌ای که در سایه حکمرانی تو آغاز شده خوش آمد می‌گویم/ دولت او در همه حال نیکوست، و در هر زمینه‌ای نویدبخش رشد و شکوفایی است.

اما امری که باعث شده تا شاعر به تجدد و رشد حکومت عباسی در زمان امین اشاره کند و به خلیفه وقت تبریک بگوید، این بود که او خواسته‌ها و دعوت رسول مکرم اسلام (ص) را در ذیل عبارت «جمعت أهواء أمة أحمد» که اشاره ضمنی و کنایه‌ای به امت رسول اکرم (ص) دارد، جمع آورده است. ضحاک در ادامه پیام جهانی وحدت اسلامی را به عموزادگان پیامبر اکرم (ص) که رفتار ناسازگارانه آن‌ها را مخالف دین مبین اسلام می‌بیند، یادآور می‌شود و آن‌ها را از هرگونه تفرقه باز می‌دارد:^۱

«یا بن عمّ التّبی لا أنس إلاّ
حیثُ حیّمت من جمیع البلاد»

اما تعهد، نکته محوری در اعتقادات دینی و مذهبی است، غلامرضا کافی در کتاب شرح منظومه ظهر در مورد التزام و ادای دین شاعران شیعی نسبت به ائمه اطهار (ع) آورده است که «شاعران شیعه اولین بار تعهد را پذیرفتند و ادب متعهد را پی‌ریختند و ارزشمندترین نوشته‌ها را درباره دشمنان عترت عصمت و طهارت (ع) سرودند».^۲ تعهد و التزام دینی و مذهبی در عصر عباسی، توسط شاعران بزرگی چون دعبل، حمیری و حسین بن ضحاک قوت گرفت، ابوالفرج اصفهانی به نقل از محمد نفس زکیه (۱۰۰-۱۴۵ق) یکی از قیام‌کنندگان شیعه محمدیه - حقیقت محمدیه به صورت اسم جامع الهی است که آن اسم جامع رب اسماء است و از او فیض به تمامی اسماء می‌رسد. پس آن حقیقت محمدیه، قطب است و مدار احکام بر او دور می‌زند و او است که مرکز دایره وجود ازل و ابد است و به حکم وحدت، واحد است و به اعتبار حکم کثرت، متعدد، و به واسطه اتمام دایره آن و در وقت ظهور ولایت از باطن، قطبیت به اولیاء یعنی ائمه (ع) انتقال یافت-^۳ و از مخالفین بنی عباس می‌گوید «به خدا سوگند زشت شماردیم بر بنی امیه آنچه را که باید زشت می‌دانستیم، اما بنی عباس کمتر از ایشان ترس از خدا دارند و قیام علیه بنی عباس واجب‌تر از قیام علیه بنی امیه است».^۴ همین کافی است که بدانید «در قلمرو اسلام شهری نیست مگر در آن شهیدی مظلوم از آل ابی طالب در آن به خون خود در غلطیده و در قتل او اموی و عباسی شرکت نموده و عدنانی و قحطانی آن را تایید کرده است».^۵ حسین بن ضحاک با آگاهی از این رویکرد خلفای عباسی، در مدح منصور عباسی (حک: ۱۳۶-۱۵۸ق) رفتار به ظاهر دینی او را در دفاع از دین اسلام چنین ستوده است:^۶

۱. ترجمه: ای پسر عموی پیامبر اکرم (ص) هیچ انس و الفتی به وجود نمی‌آید مگر اینکه همه مردم را در زیر پرچم توحید جمع آوری.

۲. کافی، شرح منظومه ظهر، ۸۰.

۳. صدرالدین قونیبی، النفحات الالهیه، ۶۵.

۴. اصفهانی، مقاتل الطالبین، ۱۰/۱۰۶.

۵. آینه وند، ادبیات سیاسی تشیع (از نیمه اول قرن اول هجری تا پایان قرن سوم هجری)، ۲۰۶.

۶. الضحاک، دیوان، ۸۵. ترجمه: آیا مرگ، یاریگر دین اسلام را به واهمه نیفکند؟ چرا، ترس و دلهره برای کسی که یاور و یاریگرش مرده است، حق است.

«ألم يَرُحِ الإسلامَ موثَّ ناصرَه نَصيره
بلى حَقَّ أن يرتاعَ من ماتَ ناصرَه»

در جایی دیگر خلیفه الواثق بالله (حک: ۲۲۷-۲۳۲ق) را که به ظاهر از تربیت اسلامی و دینی برخوردار بوده و به اعتقاد او از آغاز تا پایان دارای رفتار پسندیده‌ای بوده است، این گونه می‌ستاید:

«و ما قدَّم الرحمنُ إلَّا مقدَّمًا
مورادُه محمودُه و مصادره»

اما ضحاک با واثق حتی پیش از آنکه به خلافت برسد، دوستی داشت و در مجالس باده‌نوشی او شرکت می‌جست.^۱ همین که واثق بر تخت نشست، دو قصیده در تهنیت او سرود و جایزه‌های کلان به دست آورد.^۲ در ادامه با نصیحت به متوکل (حک: ۲۳۲-۲۴۷ق) از او خواست تا به مرگ و جهان آخرت توجه کند و بار سفر ببندد و در همه حال تنها به خدا تکیه کند.^۳ این شیوه نصیحت‌گویی حسین بن ضحاک در عصر عباسی که با تعهد دینی و شیعی او گره خورده است، در واقع می‌تواند به برتری نژادی عرب بر غیر عرب و موالی در نزد خلفای عباسی اشاره کند که شاعران آگاه و بیداری چون حسین بن ضحاک با نصیحت‌گویی به خلفا می‌خواستند تا به آنان بفهمانند که هیچ انسانی بر دیگری برتری ندارد، و تنها تقوا و ترس از خدا باید محور و ملاک زندگی انسان باشد.

۴- جلوه‌های شیعی در اشعار حسین بن ضحاک

حسین بن ضحاک، شاعر محب اهل بیت (ع)، درک کاملی از وقایع عاشورا و کربلا داشته و مظلومیت آنان را درک کرده و احساس خود را با آن واقعه عظیم پیوند زده است و به این خاطر توانسته تا با صداقت و عواطف خالصانه، حقایق زندگی آنان را در عصر خفقان عباسی، انعکاس دهد. اما مهم‌ترین مضامین شیعی در شعر حسین بن ضحاک که نشان از محبت او به اهل بیت (ع) دارد، عبارتند از:

۴-۱- ابراز حزن و اندوه

بیان حزن و اندوه و ابراز احساسات نسبت به واقعه عظیم عاشورا، از عناوین اصلی ادبیات شیعی است، در واقع «ادبیات تشیع همچون آینه‌ای است که رنج و اندوه ائمه اطهار (ع) را منعکس می‌کند».^۴ ذهبی به نقل از عمار که او نیز از ام سلمه شنیده بود، اذعان می‌دارد که حتی «پریان بر امام حسین (ع)

۱. الاصفهانی، الاغانی، ۲۲۲/۷.

۲. همو، ۱۹۵/۷-۱۹۶.

۳. لا تَدَعِ الجَدَّ فَتَدَّ جَدَّ السَّفَرِ و اجعَلِ إلی اللهِ مِنَ اللهِ المَعْرَ.

الضحاک، دیوان، ۱۰۱. ترجمه: دست از جدیت بر مدار که سفر جدی است و بکوش تا از خدا به خدا فرار کنی.

۴. مغنیه، شیعه و زمامداران خود سر، ترجمه مصطفی زمانی، ۲۰۰.

می‌گریستند و برای او نوحه سرایی می‌کردند».^۱ اما «شالوده اصلی این شعر، عاطفه و احساس ناب شاعر است، عاطفه حزن و اندوه و خشم، چنان تاثیری عمیقی در تکوین شعر به جا گذاشته است که برخی شعر را مولود آن می‌دانند».^۲ ابراز حزن و اندوه که از خصایص بارز شعر شیعی است، در شعر حسین بن ضحاک به وضوح بارز است. حسین بن ضحاک، غم و اندوه خود را نسبت به واقعه عظیم کربلا و حقایق زندگی اهل بیت (ع) با عواطفی صادقانه چنین ابراز داشته است:^۳

«وَمِمَّا شَجَى قَلْبِي وَكَفَكَفَ عَبْرَتِي
مَحَارِمٌ مِنْ آلِ النَّبِيِّ أُسْتُجَلَّتِ
وَمَهْتُوكَةَ بِالْخُلْدِ عَنْهَا سُجُوفُهَا
كَعَابُ كَقَرْنِ الشَّمْسِ حِينَ تَبَدَّتِ»

و نهایت حزن و اندوه خود را در رثای اهل بیت (ع) و از جمله امام حسین (ع) که او را برترین خاندان نبوت می‌داند، این‌گونه بیان می‌دارد:^۴

«يَا خَيْرَ أَسْرَتِهِ وَإِنْ زَعَمُوا
إِنِّي عَلَيْكَ لَمُثَبِّتٌ أَسِيفٌ»

در ادامه با تقدیم کلمه «الله» و اسمیه آوردن جمله که بر ثبوت و تاکید دلالت دارد، حزن و اندوه خود را نسبت به امام حسین (ع) مستمر و پیوسته می‌داند:^۵

«اللَّهُ يَعْلَمُ أَنَّ لِي كَبْدًا
حَرِّيَّ عَلَيْكَ وَمَقَلَّةٌ تَكِيفٌ»

اما اعتقاد دارد که این تنها حزن ظاهری است که به تصویر می‌کشد و اندوه حقیقی را بسیار فراتر از آن می‌داند که بتواند توصیف کند.^۶

۴-۲- تحدی و مبارزه طلبی

نگرش شیعی بر مبنای احقاق حق از دست رفته و مبارزه با ظلم و ستم استوار است. «تاریخ شیعه

۱. مَسَخَ الرَّسُولُ جَبِينَهُ فله بريق في الخدود

أبواه من عليا قریش و جسدہ خیر الجذود

الذهبي، تاريخ الاسلام وفيات المشاهير و الاعلام، ۱۷. ترجمه: رسول اکرم (ص) بر پیشانی او دست کشید و سپس نوری بر گونه‌هایش ظاهر گشت / پدر و مادرش از والا مقامان قریش هستند و پدر بزرگش بهترین پدر بزرگ است.

۲. امین، اعیان الشیعة، ۳۰۰.

۳. الضحاک، دیوان، ۴۹. ترجمه: آنچه که قلبم را آزرده و اشکم را جاری کرد، این بود که درباره اهل بیت (ع) حرام‌هایی حلال شد/ و لذا پیوسته مورد هتک حرمت واقع شدند، و حجاب را از چهره آن‌ها که چون خورشید می‌درخشید، دریدند.

۴. الضحاک، دیوان، ۱۳۰. ترجمه: ای بهترین خاندان پیامبر (ص) گرچه مردم گمان بد بر تو کنند، من بر عهد خود با تو پابندم و از رفتار ظالمانه‌ای که بر علیه تو شده است، افسوس می‌خورم.

۵. الضحاک، دیوان، ۱۳۰. ترجمه: تنها خدا می‌داند که جگر من برای تو سوخته و اشک از چشمانم سرازیر گشته است.

۶. وَلَيْنَ سَجِيثٌ بِمَا زُرَيْتُ إِنِّي لِأَضْمُرُ فَوْقَ مَا أُصِيفُ

الضحاک، دیوان، ۱۳۰. ترجمه: و اگرچه به خاطر مصیبتی که بدان مبتلا شدم، اندوهگین شدم، اما من بیشتر از آنچه را که اظهار می‌کنم، پنهان می‌دارم.

گواهی می‌دهد که همیشه شیعیان علیه ظلم و جنایت و استبداد مبارزه کرده‌اند و ادبیات و اشعار آنان مملو از مبارزه علیه استعمار و استبداد بوده است.^۱ «ادب شیعی، فضایل انسانی و اخلاقی و دینی را می‌ستاید، و از رذیلت‌های اخلاقی و پلیدی‌های روحی، بیزاری می‌جوید و از حقوق ضایع شده دفاع می‌کند».^۲ شاعر، خون‌خواهی و حق‌طلبی اهل بیت (ع) را برای احقاق حق از بین رفته با زبان خودشان فریاد می‌زند، فریادی که ساکت نمی‌شود تا مگر آمال انسان‌های مظلوم تاریخ را زنده کند، به همین خاطر به جبهه باطل هشدار می‌دهد که هیچ‌گاه با قتل عام اهل بیت (ع) و پایمال کردن حقوق آنان به اهدافشان نمی‌رسند، و چیزی جز حسرت و اندوه نصیبشان نخواهد شد.^۳

۴-۳- اظهار ارادت

ضحاک عشق و علاقه خود را به امام حسین (ع) و اهل بیت (ع) که پایه‌های استوار توحید و مایه نور و روشنایی طریق ضلالت هستند، این‌گونه ابراز می‌دارد:^۴

«یا عمود الإسلام خیر عمودٍ والذي صیغَ من ضیاءٍ و جودٍ»

و سلاله پاک بنی هاشم، امام حسین (ع) را که از اصل و نسبی اصیل است، می‌ستاید و این‌گونه او را مدح می‌گوید:^۵

«و الإمام المهذب الهاشمي الـ قَرَمَ محضُ الآباءِ محضُ الجودِ»

و در تعبیری زیبا او را به خورشیدی تابان که مایه خیر و برکت است تشبیه می‌کند.^۶

۴-۴- مودت و دوستی با ائمه اطهار (ع)

اظهار عشق و ارادت نسبت به اهل بیت (ع) در ادبیات دینی بازتاب یافته است. «شاعرانی بودند که دوستی اهل بیت (ع) را برگزیده بودند و از دیدگاه‌های ایشان الهام می‌گرفتند و از خلفای عباسی به‌رغم

۱. مغنیه، شیعه و زمامداران خود سر، ترجمه مصطفی زمانی، ۲۳۳.

۲. احمدی، ساختار و تأویل متن، ۲۵.

۳. و یسرُ طباء من ذؤابة هاشم هتفتن بدعوی خیر حی و میت

أرد یسدا مئسی إذا ما ذکرئسه علی کبدر حزری و قلب مفقت

الضحاک، دیوان، ۴۹. ترجمه: و دسته آهوان از قبیله بنی هاشم فریاد بهترین زندگان و مردگان را سردادند/ هرگاه او را یاد می‌کنم با جگری سوخته و قلبی پاره پاره از او طلب کمک می‌کنم.

۴. الضحاک، دیوان، ۸۱. ترجمه: ای بهترین تکیه گاه اسلام، و ای که وجود او از نور و بخشش شکل گرفته است.

۵. الضحاک، دیوان، ۵۰. ترجمه: و امام و پیشوای پاکدامن هاشمی، از پدران و نیاکان اصیل بنی هاشم است.

۶. إن یوماً أراک فسیه لیوم أطلعت سمسُه بسعد السعود

ترجمه: روزی که تو را می‌بینم همان روزی است که نور خورشید آن مایه خیر و برکت و سعادت است. الضحاک، دیوان، ۸۱.

اینکه قدرت و سلطه داشتند، روی گردانده بودند»^۱. ضحاک، اهل بیت (ع) را از برگزیدگان الهی و از برترین بندگان خدا می‌دانست، چرا که به اعتقاد او، آن‌ها از همان کودکی بزرگ زاده بودند و از خصایل نیکو برخوردار بودند.^۲ لذا معتقد است که به خاطر همان خصایل نیکوست که آمال و آرزوهای انسان‌ها، پیوسته به سوی آن‌ها گرایش پیدا کرده است.^۳

۴-۵- انزجار از هتک حرمت

شاعر، بی‌حرمتی به اهل بیت و از جمله امام حسین (ع) را مصداق بی‌حرمتی به حریم رسول الله می‌داند و در واقع احترام به اهل بیت (ع) را هم ردیف احترام به خدا و رسول خدا (ص) قرار می‌دهد. شاعر در بیتهای^۴ توری به کار برده است و بین دو کلمه «حَرَم» و «السُّجْف» به معنای حریم و پرده، تناسب برقرار کرده است، و بی‌احترامی به خاندان رسالت را همتای بی‌حرمتی به حرم امن رسول خدا (ص) شمرده است. در ادامه به شکست ناپذیری اهل بیت (ع) بعد از واقعه کربلا اشاره کرده که بعد از به خاک و خون کشیده شدن، تسلیم نشدند و به راه خود ادامه دادند.^۵

همچنین با توجه به اینکه حرمت بزرگان و کودکان قافله کربلا را نگه نداشتند و خیمه‌ها را به آتش کشیدند و زنان را به اسارت بردند و زیورآلات آن‌ها را ربودند، شکوه می‌کند.^۶ احمد امین نیز این واقعه را ذکر کرده است. او کودکان و زنان کربلا را همچون اسیرانی دانسته که به خاطر دفاع از حق و وطن شهید شدند «اما اسرای کربلا، همان زنان و کودکانی بودند که از دیارشان دور شده بودند... و شهدای کربلا نیز

۱. لیثی، جهاد شیعه در دوره اول عباسی. ترجمه محمد حاجی تقی، ۲۶۷.

۲. هَمَّ الصَّفْوُ مِنْ آلِ الرَّسُولِ فَمَا تَرَى صَغِيرَهُمْ إِلَّا كَبِيرًا مَوْقِرًا

الضحاک، دیوان، ۹۰. ترجمه: آن‌ها همان خاندان برگزیده رسول اکرم (ص) هستند، که کودکان آنان نیز بزرگ و مورد احترام‌اند.

۳. فَلَا زَالَتِ الْأَمَالُ مِثْلًا إِلَيْهِمْ وَلَا زَلَّتْ مَا رَاحَ النَّهَائُ وَبَغَّرَا

الضحاک، دیوان، ۹۰. ترجمه: پیوسته آمال و آرزوها به آنان گرایش دارد، و امید است که تا دنیا باقی است اینچنین باشی.

۴.

هَتَكُوا لِحَرَمَتِكَ الَّتِي هُتِكَتْ حَرَمَ الرَّسُولِ وَدُونَهَا السُّجْفُ

الضحاک، دیوان، ۱۳۱. ترجمه: حرمت را نگاه نداشتند، و با این کار در واقع حرمت و حریم رسول اکرم (ص) و کعبه را نگاه نداشتند.

۵.

وَتَبَّتْ أَقَارِبُكَ الَّتِي خَذَلَتْ وَجَمِيعُهَا بِالذَّلِّ مَعْتَرَفٌ

الضحاک، دیوان، ۱۳۱. ترجمه: و خویشاوندانت که به خاک افتاده بودند و همگی آنان به خواری درافتاده بودند، برخاستند.

۶.

تَرَكَوْا حَرِيمَ آبِيهِمْ نَقْلًا

أَبَدَتْ مُخْلَخِلَهَا عَلَى ذَهَبِي

والمحصنات صوارخ هُتِفَ

أبكارهن ورتنت التصف

الضحاک، دیوان، ۱۳۱. ترجمه: بنی امیه، حرمت حریم پدرشان را نگاه نداشتند، و بدین خاطر زنان عقیف ناله و شیون سردادند/ و دوشیزگان وحشت زده، زیورآلات خود را آشکار کردند و ناله سردادند.

همان کسانی بودند که در راه دفاع از حق و وطن شهید شدند»^۱.

۴-۶- بیان عزت و شرف

«کلمه حسین در نزد شیعه در واقع نماد قهرمانی و جهاد برای رهایی انسان از ظلم و عنوان فداکاری مردان و زنان برای احیای دین است»^۲. ضحاک، تمام عزت را در خاندان عصمت و طهارت و از جمله امام حسین (ع) به تصویر کشید و بعد از به شهادت رسیدن قافله سالار کربلا و یارانش هیچ عزت و شرفی را برای کسی قائل نبود.^۳ این گونه بیان صریح و بی پروا از خصایل و اوصاف ائمه اطهار (ع)، از عشق و معرفتی حکایت دارد که حسین بن ضحاک نسبت به این سلاله پاک داشته است و توانسته تا همه این‌ها را به زیبایی و با شهامت و قدرت به مخاطب انعکاس دهد.

نتیجه‌گیری

ادبیات شیعی یک نوع ادبیات متعهد است که ادباء و شاعران در عصرهای مختلف و از جمله در عصر عباسی، آن را در شعر و نثر به کار برده‌اند. از جمله این شاعران حسین بن ضحاک، شاعر اباحی و ایرانی تبار عصر عباسی است که خالصانه و با صدق نیت به مضامین شیعی روی آورده است و احساسات خود را با زبانی که نشان از جسارت و قاطعیت او در کلام دارد، در قالب اشعاری که تا حدود زیادی به قصه‌ای لطیف نزدیک می‌شود، بیان کرده است و وقایع و حقایق آن واقعه بزرگ را به گونه‌ای بیان کرده که مخاطب جزئیات را به وضوح درمی‌یابد و روح خود را با آن واقعه عظیم پیوند می‌زند. در حقیقت شاعر تصویرگری ماهر است که اشعارش همچون فیلم سینمایی از دیدگان مخاطب می‌گذرد، و عین آنچه را که اتفاق افتاده است، ملاحظه می‌کند. البته هر چند که شاعر به مدح و ثنای خلفای عباسی پرداخت اما سلطه هجو و عتاب نسبت به آنان در اشعارش بارز است، تا جایی که هر مخاطب آگاهی از صدق احساس شاعر به وجد می‌آید و قلب خود را با خشم و نفرت پیوند می‌زند.

۱. امین، ضحی الاسلام، ۱۲.

۲. امین، ضحی الاسلام، ۱۱.

۳.

هَيْهَاتَ بَعْدَكَ أَنْ يَدُومَ لَنَا عِزٌّ وَأَنْ يَبْقَى لَنَا شَرَفٌ

الضحاک، دیوان، ۱۳۱. ترجمه: هرگز این طور نیست که بعد تو عزت و شرفی برای ما باقی بماند.

فهرست منابع

- احمدی، بابک. ساختار و تأویل متن. تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۰.
- الاصفهانی، ابوالفرج علی بن حسین. الاغانی. به تحقیق احسان عباس، ابراهیم السعافین، بکر عباس. بیروت: دارصادر، ۱۹۹۲.
- الاصفهانی، ابوالفرج علی بن حسین. مقاتل الطالبین. به شرح و تحقیق احمد صقر. بیروت: المكتبة الحیدریة، ۱۴۲۹.
- اعلمی الحائری، محمد حسین. دائرة المعارف الشیعیة العامة. بیروت: مؤسسة الأعلمی، ۱۹۸۳ م.
- الامین، احمد. ضحی الاسلام. قاهره: مطبعة لجنة التألیف و الترجمة و النشر، ۱۳۸۲.
- الامین، محسن. اعیان الشیعة. حقه و اخرجہ حسن الامین. بیروت: دارالتعارف، ۱۹۵۲ م.
- آذرنوش، آذرتاش. «حسین بن ضحاک». در دایره المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۹۳.
- آیینہ وند، صادق. ادبیات سیاسی تشیع (از نیمه اول قرن اول هجری تا پایان قرن سوم هجری). تهران: نشر علم، ۱۳۸۶.
- خرمشاهی، بهاء الدین و دیگران. دایره المعارف تشیع. قم: نشر شهید سعید محبی، ۱۳۷۶.
- الذهبی، شمس الدین محمد. تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام. به تحقیق عمر عبدالسلام تدمری. بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۱۳ ق.
- سماوی، محمد. الطلیعة من شعراء الشیعة. به تحقیق کامل سلمان الجبوری. بیروت: دارالمورخ العربی، ۱۴۲۲ ق.
- شبر، جواد. ادب الطفّ او شعراء الحسین (ع). بیروت: دارالمرتضی، ۱۴۰۹ ق.
- شوقی ضیف. تاریخ الادب العربی (العصر العباسی الاول). قم: ذوی القربی، ۱۴۲۷ ق.
- شوقی، ریاض احمد. الحسین بن الضحاک حیاتہ و شعره. القاهرة: المجلس الاعلی لرعاية الفنون و الآداب، ۱۹۶۷ م.
- شهرستانی، ابوالفتح. الملل و النحل. به تحقیق محمد سید کیلانی. بیروت: دارالمعرفة، ۱۹۸۴ م.
- ضحاک، الحسین. دیوان. به تحقیق جلیل العطیة. بغداد: منشورات الجمل، ۲۰۰۵ م.
- طه حسین. حدیث الأربعاء. القاهرة: دارالمعارف، ۱۹۶۰ م.
- قونبوی، محمد بن اسحاق صدرالدین. النفحات الالهیة. تهران: چاپ محمد خواجهی، ۱۳۷۵ ش.
- کافی، غلامرضا. شرح منظومه ظهر. تهران: مجتمع فرهنگی عاشورا، ۱۳۸۶.
- لبیثی، سمیرہ مختار. جهاد شیعه در دوره اول عباسی. ترجمه محمد حاجی تقی. تهران: نشر شیعه شناسی، ۱۳۸۴.
- مغنیہ، محمد جواد. شیعه و زمامداران خود سر. ترجمه مصطفی زمانی. قم: نشر حوزه علمیه، ۱۳۴۳ ق.

Transliterated Bibliography

- Aḥmadī, Bābak. *Sākhṭār va Ta'vīl-i Matn*. Tehran: Nashr-i Markaz, 1992/1370.
- Āīynehvand, Šādiq. *Adabīyāt-i Sīyāsī-yi Tashayū' (az nīmih-yi aval-i qarn-i aval-i Hijrī tā pāyān-i qarn-i sivum-i Hijrī)*. Tehran: Nashr 'Ilm, 2008/1429.
- al-A'lamī al-Ḥā'irī. Muḥammad Ḥusayn. *Dāi'ra al-Ma'ārif al-Shī'ya al-Āma*. Beirut: Mū'assisa al-A'lamī, 1983.
- Al-Amīn, Aḥmad. *Ḍuḥā al-Islām*. Cairo: Maṭba'a Lajna al-Ta'lif wa al-Tarjama wa Nashr, 2004/1382.
- Al-Amīn, Muḥsin. *A'yān al-Shī'a*. researched and Akhraja by Ḥasan al-Amīn. Beirut: Dār al-Ta'āruf, 1952.
- al-Ḍaḥāk, al-Ḥusayn. *Dīwān*. researched by Jalīl al-'Aṭīya. Baghdād: Manshūrāt al-Jamal, 2005.
- Al-Dhabābī, Shams al-Dīn Muḥammad. *Tārīkh al-Islām wa wafayāt al-Mashāhīr wa al-A'lām*. researched by 'Umar 'Abd al-Salām al-Tadmurī. Beirut: Dār al-Kutub al-'Arabī, 1993/1413.
- Al-Iṣfahānī, Abū al-Faraj 'Alī ibn Ḥusayn. *al-Aghānī*. researched by Iḥsān 'Abās, Ibrāhīm al-Sa'āfīn, Bakr 'Abās. Beirut: Dār Šādir, 1992.
- Al-Iṣfahānī, Abū al-Faraj 'Alī ibn Ḥusayn. *Maqātil al-Ṭālibīyīn*. Sharḥ va researched by Aḥmad Šaqr. Beirut: al-Maktaba al-Ḥydarīyya, 2007/1385.
- Āzarnūsh, Āzartāsh. "Ḥusayn ibn al-Ḍaḥāk". dar *Dā'ira al-Ma'ārif Buzurg Islāmī*, 2015/1393.
- Kāfī, Ghulām Rizā. *Sharḥ-i Manzūmih-yi Zuhr*. Tehran: Mujtama' Farhangī 'Āshūrā, 2008/1386.
- Khuramshāhī, Bahā' al-Dīn et al. *Dāi'ra al-Ma'ārif Tashayū'*. Qum: Nashr-i Shahīd Sa'īd Muḥibī, 1998/1376.
- Laythī, Samīrah Mukhtār. *Jahād-i Shī'a dar Durīh-yi Aval-i 'Abāsī*. translated by Muḥammad Ḥājī Taqī. Tehran: Nashr Shī'a Shināsī, 2006/1384.
- Mughnīyih, Muḥammad Javād. *Shī'a va Zamāmdāran-i Khudsar*. translated by

Muṣṭafā Zamānī. Qum: Nashr Ḥauza 'Ilmīya, 1925/1343.

Qūnawī, Muḥammad ibn Ishāq Ṣadr al-Dīn. *al-Nafahāt al-Ilāhīya*. Tehran: Chāp-i Muḥammad Khājavi, 1997/1375.

Samāwī, Muḥammad. *al-Ṭalī'a min Shu'arā' al-Shī'a*. researched by Kāmil Salmān al-Jabūrī. Beirut: Dār al-Muwarakh al-'Arabī, 2001/1422.

Shabar, Javād. *Adab al-Ṭaf'āwī Shu'arā' al-Ḥusayn(AS)*. Beirut: Dār al-Murtażā, 1989/1409.

Shahristānī, Abū al-Faḥ. *Al-Milal wa al-Niḥal*. researched by Muḥammad Sayyid Kīlānī. Beirut: Dar al-Ma'ārif, 1984.

Shūqī Dīf. *Tārīkh al-Adab al-'Arabī(al-'Aṣr-i al-'Abāsī al-Awal)*. Qum: Dhawil al-Qurbā, 2006/1427.

Shūqī, Rīyāḍ Aḥmad. *al-Ḥusayn ibn al-Ḍaḥāk Ḥayātih wa Shi'rih*. Cairo: al-Majlis al-A'lā l-Ra'āya al-Funūn wa al-Ādāb, 1967.

Ṭāhā, Ḥusayn. *Ḥadīth al-Arbi'ā'*. Cairo: Dar al-Ma'ārif, 1960.

